



تحولات صنعت خودرو در افق ۲۰۳۰*

مهدی محرمی بالان - مهدی صادقی

"رشد سریع فناوری، تحولات موجود در بازارهای نوظهور، سیاست‌های زیست‌محیطی و تغییر ترجیحات مصرف‌کننده نسبت به مالکیت خودرو، دیجیتالی سازی (مجازی شدن) و ظهور مدل‌های جدید کسب و کار زمینه‌ساز تحولات عظیمی در صنعت خودرو تا سال ۲۰۳۰ خواهد شد. (این دگرگونی‌ها در چهار حوزه خودروهای خودران، تمام برقی سازی، اپلیکیشن‌های تبادل داده در خودرو و شیوه‌های متعدد سفرهای درون شهری نمود خواهد یافت).

الف. هشت عامل اثرگذار بر انقلاب صنعت خودرو در سال ۲۰۳۰:

۱- سبک جدید در سفرهای شهری

قوانین سخت‌گیرانه زیست‌محیطی در کنار دستاوردهای جدید فناوری، شیوه سفرهای شهری و نیز ترجیحات مصرف‌کنندگان را دستخوش تحولاتی کرده است، به گونه‌ای که مالکیت خودروی شخصی جهت انجام فعالیت‌های مختلف جای خود را به اقسام جدید حمل و نقل از قبیل به اشتراک گذاری خودرو داده است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود از هر ۱۰ مورد فروش خودرو در سال ۲۰۳۰، یک مورد به خودروی اشتراکی اختصاص یابد. تجربه موفق آمریکای شمالی و آلمان (رشد سالانه ۳۰ درصدی طی دوره مورد پیش‌بینی تقاضای خودروهای اشتراکی) گواهی بر این مدعاست.

۲- ساختار شهری، معیار اصلی در تعیین گستره تحول در صنعت

در کلان‌شهرهایی از قبیل لندن و شانگهای، استفاده از خودروی اشتراکی به عللی همچون ترافیک سنگین، کمبود پارکینگ و ازدحام جمعیت دارای مزیت است که این امر خود منجر به شکل‌گیری مدل‌های جدید کسب و کار خواهد شد. حال آنکه در مناطق روستایی و حومه، مالکیت خودروی شخصی به‌صرفه‌تر خواهد بود. بنابراین انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰، بازار تقاضای جهانی برای خودروی شخصی، دو قطبی شود: به این صورت که در مناطق حومه برای خودروی شخصی به نسبت کلان-شهرها تقاضای بیشتری وجود داشته باشد.

۳- کند شدن آهنگ رشد فروش خودرو

اثر منفی افزایش تقاضا برای خودروهای اشتراکی، بواسطه پیامدهای مثبت ناشی از رشد طبقه متوسط در جهان و تداوم رشد اقتصادی در کشورهای نوظهور به‌ویژه چین و هند، موجب تغییر رشد سالانه فروش خودرو از ۳٫۶ درصد در حال حاضر به ۲ درصد تا سال ۲۰۳۰ خواهد شد

۴- افزایش رقابت‌پذیری خودروهای برقی

قوانین سخت‌گیرانه‌تر و اعطای مشوق‌هایی همچون معافیت مالیاتی، امتیازهای ویژه در رانندگی و استفاده از پارکینگ از یکسو و کاهش قیمت باتری طی یک دهه آتی از سوی دیگر، عواملی هستند که بر رقابتی‌تر شدن خودروهای برقی در قیاس با خودروهای معمولی، اثرگذار می‌باشند. از آنجا که خودروهای هیبرید برقی بخش قابل توجهی از خودروهای برقی را شامل می‌شود لذا موتورهای احتراق داخلی در خودروها، حتی پس از سال ۲۰۳۰ از مقبولیت کافی برخوردار خواهند بود.

۵- ظهور تدریجی خودروهای خودران

تجاری سازی خودروهای خودران منوط به رفع چالش‌های قانونی و موانع موجود در حوزه فناوری است و به نظر نمی‌رسد این خودروها زودتر از سال ۲۰۲۰ وارد بازار شوند. در این فاصله زمانی، سیستم‌های پیشرفته کمک راننده (ADAS) نقشی حیاتی در درک ایده کنترل رانندگی توسط خودروهای خودران ایفا خواهند نمود. طبق برخی سناریوها انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰، ۵۰ درصد از خودروهای سواری دارای درصد بالایی از قابلیت‌های خودرانی و ۱۵ درصد آن‌ها تمام خودران شوند.

۶- ظهور رقبای جدید در صنعت خودرو

تازه‌واردین به صنعت خودرو تنها بخش‌های خاصی از زنجیره ارزش (نظیر طراحی، نوآوری محصول در قالب سخت‌افزار و نرم‌افزار و خدمات) را که از نظر اقتصادی از جذابیت بیشتری برخوردار هستند، هدف قرار می‌دهند. انتظار می‌رود بازیگران جدید (مانند شرکت‌های با فناوری و نقدینگی بالا) از دگرگونی‌های کنونی سود جسته و از رقبای خود پیشی گیرند.



۷- تغییر چارچوب همکاری و رقابت در صنعت خودرو بهره‌گیری از سرویس‌های همسفری آنلاین (از قبیل Uber)، حضور غول‌های فناوری مثل گوگل و اپل و همچنین شرکت‌های نوظهور OEM (مثل تسلا) عرصه‌های مختلفی را برای رقابت خودروسازان و فعالان این صنعت فراهم نموده است.

۸- بازار در حال گذار

بنا به پیش‌بینی موسسه مکنزی با توسعه خدمات مربوط به تبادل اطلاعات (شامل اپلیکیشن‌ها، مکان‌یابی، روزرسانی نرم‌افزار) برای به اشتراک‌گذاری و سفارش اینترنتی خودرو، افزایش هزینه تعمیرات و نگهداری ناشی از برقی‌شدن خودرو و گسترش فناوری خودروهای خودران، حجم فروش در بازار خودرو تا سال ۲۰۳۰ با جهش ۱,۵ تریلیون دلاری به ۶,۷ تریلیون دلار افزایش می‌یابد. این در حالی است که در صورت ادامه روند فعلی و عدم توسعه نوآوری و فناوری‌های فوق‌الذکر، حجم فروش محصولات و خدمات پس از فروش در این صنعت تا سال ۲۰۳۰ تنها به ۵,۲ تریلیون دلار (در مقایسه با ۳,۵ تریلیون دلار سال ۲۰۱۵) خواهد رسید.

ب- استراتژی پیشنهادی برای بازار خودروی ایران تا سال ۲۰۳۰

در مواجهه با دگرگونی‌ها و همسو شدن با مسیر تکاملی صنعت خودرو، خودروسازان می‌بایست به موارد زیر توجه نمایند:

• کسب آمادگی بمنظور همسو شدن با تغییرات بازار

بازار خودرو دیر یا زود با ظهور مدل‌های جدید کسب و کار مانند خودروهای خودران و خودروهای برقی، با تحولاتی جدی مواجه خواهد شد. بنابراین خودروسازان می‌بایست ترجیحات مصرف‌کنندگان را به دقت تحلیل نموده و به تغییر ساختار جمعیتی و تاثیر آن بر چشم‌انداز فروش خودرو توجه نمایند.

خودروسازان ایرانی می‌باید از طریق انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک با خودروسازان مطرح جهان

(به شرط انتقال فناوری‌های نوین)، خود را با این تغییرات همراه سازند و با توجه به عمق توانمندی‌های طراحی و تولیدی داخلی، خود را به پلاتفرم تولید خودروهای آتی تبدیل کنند.

• تقویت صنایع مرتبط و تجهیز شبکه تامین به منظور حداقل سازی هزینه تدارک عوامل

در این ارتباط، توجه به صنایعی همچون باتری‌های جدید و تجهیز آنها به دانش روز می‌تواند دستاوردهای قابل توجهی در زمینه توانمندسازی خودروسازی برقی در داخل ایفا نماید. ضمن آنکه ساماندهی بخش قطعه‌سازی و تنظیم استانداردهای حاکم در آن بخش به صورت استانداردهای روز، انگیزه بیشتری برای مشارکت خارجیان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ساخت داخل در فرایند سرمایه‌گذاری مشترک بوجود می‌آورد.

• افزایش درجه انعطاف‌پذیری با تمرکز بر امور تحقیق و توسعه، طراحی مهندسی و توسعه سیستم‌های نرم‌افزاری

فعالان صنعت باید با هدف انتفاع از دگرگونی‌های نوین نسبت به انطباق سازمانی با این تحولات اقدام نموده و مواردی همچون روزرسانی سیستم نرم‌افزاری، جذب نیروهای متخصص و اتخاذ مدل‌های جدید تحقیق و توسعه را در دستور کار خود قرار دهند.

• تنوع‌بخشی خدمات پس از فروش در طول چرخه عمر محصول

حفظ سهم از بازار و بهره‌مندی از فرصت‌های سودآور مستلزم تغییر جایگاه بنگاه از تامین‌کننده سخت‌افزار^۲ به ارائه دهنده خدمات یکپارچه مسافرت شهری^۳ است. خودروسازان باید همانند شرکت‌های نرم‌افزاری، رضایتمندی مشتری در طول چرخه عمر محصول را تضمین نمایند.

نکته آخر

فعالان صنعت حمل و نقل در ایران اعم از خودروسازان، ارائه دهندگان خدمات حمل و نقل، قانونگذاران و دولت می‌بایست همواره به این مساله توجه داشته باشند که جهان همواره در حال تغییر است و جهان نوین منتظر کسی نمی‌ماند و کسانی که نتوانند خودشان را با تحولات و تغییرات وفق دهند از قافله عقب خواهند ماند؛ لذا کم توجهی به ترویج استفاده از خودروهای دوستدار

۳ - integrated mobility service provider

۲ - Hardware provider



جهانی و سه چهارم جمعیت جهان و یا جهان فقرا را شامل می‌شود. رشد سرمایه‌گذاری جهانی از متوسط ۱۰ درصدی خود در ۲۰۱۰ به ۳/۴ درصد در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۹ درصد در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت.

کاهش رشد سرمایه‌گذاری تا حدودی موجب تصحیح سطوح پیش‌بینی اولیه خواهد شد و بر مشکلات و مولفه‌هایی که کشورهای نوظهور و در حال توسعه با آن مواجه هستند، نظیر قیمت پایین نفت (برای صادرکنندگان نفت)، کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI برای واردکنندگان کالایی) و بطور گسترده‌تری سنگین‌تر شدن بدهی خصوصی و ریسک‌های سیاسی تأثیر خواهد گذاشت.

برای بازارهای نوظهور و کشورهای صادرکننده کالایی در حال توسعه (پس از رشد ناچیز ۰/۳ درصدی در سال ۲۰۱۶) و همزمان با بهبود تدریجی قیمت‌های کالایی در سال ۲۰۱۷، رشدی معادل ۲/۳ درصد پیش‌بینی می‌شود. روسیه و برزیل پس از رکود، نشانه‌هایی از رشد نشان می‌دهند، اما بازارهای نوظهور واردکننده کالایی و اقتصادهای در حال توسعه، برعکس در این سال رشد ۵/۶ درصدی خواهند داشت.

در میان اقتصادهای پیشرفته، انتظار می‌رود که رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا به اقتصادهای جهانی سرایت نماید. بواسطه نقش قابل ملاحظه‌ای که ایالات متحده آمریکا در اقتصاد جهانی ایفا میکند، هرگونه تغییر در جهت‌گیری سیاست‌ها میتواند موجب تأثیرگذاری اثرات شلای (موجی) بر اقتصاد جهانی شود. سیاست‌های انبساط مالی در ایالات متحده آمریکا موجبات رشد بیشتر این کشور را در میان‌مدت فراهم خواهد نمود، اما تغییر در سیاست‌های تجاری یا سایر سیاست‌ها میتواند موجب خنثی شدن رشد مورد انتظار شود.

پیش‌بینی می‌شود که رشد خاورمیانه و شمال آفریقا در اثر ثبت تقاضای بیشتر از سوی واردکنندگان نفت با بهبود مختصری در سال ۲۰۱۷ گام ۳/۱ درصدی بردارد. درمیان صادرکنندگان نفت پیش‌بینی شده است که عربستان سعودی نرخ رشد متوسطی در سطح ۱/۶ درصد در سال ۲۰۱۷ داشته باشد.

محیط زیست و علی‌الخصوص خودروهای تمام الکتریکی، توسعه سرمایه‌گذاری‌های مشترک در جهت انتقال فناوری‌های نوین و همکاری با خودروسازان مطرح جهانی در راستای توسعه محصول مطابق با تحولات پیش‌رو، تنها سبب جاماندن از قطار سریع السیر پیشرفت فناوری در جهان و توقف طولانی مدت در ایستگاه‌های متروکه خواهد شد.

علیرغم سرمایه‌گذاری ضعیف، رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۷ به سطح ۲/۷ درصد خواهد رسید^۱

محمد رضا صادقی فروشانی

بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی، رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۷ (بواسطه رفع موانع فعالیت بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه صادرکننده کالا) با شتاب متوسطی به ۲/۷ درصد خواهد رسید. تقاضای داخلی بین کشورهای نوظهور و واردکنندگان در حال توسعه کالایی همچنان قابل اعتماد و مستحکم خواهد بود.

پیش‌بینی می‌شود که در اقتصادهای پیشرفته نرخ رشد تا ۱.۸ درصد در سال ۲۰۱۷ ارتقاء پیدا کند و با تزریق برخی محرک‌های مالی در برخی اقتصادهای مهم - نظیر ایالات متحده آمریکا - امکان افزایش نرخ رشد در حدی بیش از آنچه پیش‌بینی شده است، بوجود آید. البته افزایش حمایت‌گرایی تجاری می‌تواند نتایج و اثرات مغایری با پیش‌بینی فوق به بار آورد.

اگر چه پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه از ۳/۴ درصد به ۴/۲ درصد صعود کند؛ با این اوصاف، چشم‌انداز رشد، قطعی و شفاف نیست و تداوم عدم قطعیت‌ها در سیاست‌گذاری‌های برخی اقتصادهای مهم، می‌تواند کاهش رشد سرمایه‌گذاری را استمرار بخشد.

بعد از سالها یاس و ناامیدی در رشد جهانی جای خوشوقتی است که در افق اقتصاد جهانی، چشم‌انداز اقتصادی مستحکم‌تری مشاهده می‌شود.

گزارش بانک جهانی حکایت از ضعف رشد سرمایه‌گذاری در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه دارد که یک سوم اقتصاد

¹ - World Bank, Global Economic Prospects, January 10, 2017



سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به مرحله اجرا درآمد ۷,۲ درصد بود. برآوردهای مقدماتی نشان می‌دهد متوسط رشد برنامه پنجم توسعه که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به مرحله اجرا درآمد ۰,۵- بوده است.

نرخ رشد اقتصادی هدفگیری شده برای برنامه ششم توسعه اقتصادی سالانه ۸ درصد در نظر گرفته شده است. اما مساله اساسی توجه به این نکته است که رشد ۸ درصدی اقتصاد نیازمند سرمایه‌گذاری‌های فراوان اعم از داخلی و خارجی، بهبود فضای کسب و کار و مهمتر از همه ایجاد ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی برای امکان تحقق سرمایه‌گذاری و نیز بستر سازی و مهیا نمودن شرایطی برای استفاده از ظرفیت‌های خالی مانده اقتصاد کشور است.

با عنایت به گشایش‌های تجاری ایجاد شده و لغو تحریم‌ها در نتیجه توافق برجام در سال ۲۰۱۶، انتظار می‌رود که با انجام گشایش‌های بیشتر تجاری، مالی و بانکی خصوصاً توسعه تعاملات بانکی با کشورهای شرق آسیا و اروپا، سال ۲۰۱۷ میلادی سال مهم و تحول‌سازی برای اقتصاد ایران باشد که باتوجه به افزایش تولید نفت ایران، در پی توافق هسته‌ای موجب باز شدن گره‌های بسته اقتصاد ایران و رشد جریان سرمایه‌گذاری به سوی ایران باشد. تداوم نرخ تک رقمی تورم، وجود مازاد تراز تجاری غیر نفتی، انتظار اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز و توسعه تعاملات بانکی با بانک‌های معتبر جهانی، برخی از پیش‌نیازهای تحقق جهش اقتصادی در سال اول برنامه ششم توسعه می‌باشد که البته پیش فرض آن وجود ثبات و امنیت سیاسی و منطقه‌ای و تداوم آرامش اقتصادی در فضای کلان کسب و کار کشور خواهد بود. غلبه بر مشکلات اقتصادی کشور خصوصاً رونق کسب و کار و تولید اشتغال‌زا که دغدغه اصلی مسئولین کشور است، نیازمند فراهم شدن تمام پیش‌نیازهای فوق‌الاشاره برای تحقق رشد اقتصادی و رونق گرفتن تولید صادرات‌گرا و اشتغال‌زا می‌باشد، تا انشاءالله بتوان با اجرای تمامی ارکان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با تحریک تقاضا و بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های بلااستفاده داخلی و همچنین استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در سایه تعاملات مثبت بین‌المللی بر معضل بیکاری گسترده و مشکلات اقتصادی فایق آمد.

پیش‌بینی دیگر مربوط به رشد منطقه جنوب آسیا در سال ۲۰۱۷ است که (در صورت تداوم پشتیبانی نرخ رشد مستحکم هندوستان) بطور متوسط به ۷/۱ درصد خواهد رسید. نرخ رشد در این منطقه در سال ۲۰۱۷ بدون احتساب هندوستان معادل ۵/۵ درصد در نظر گرفته شده است که این میزان رشد به اتکای مصرف خصوصی و دولتی قابل ملاحظه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و اعاده مجدد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی صورت خواهد گرفت. انتظار می‌رود که نرخ رشد اقتصادی هندوستان بواسطه افزایش بهره‌وری و برطرف نمودن گلوگاه‌های عرضه داخلی در سال ۲۰۱۸ از ۷/۶ درصد عبور کند. برای پاکستان نیز در سال ۲۰۱۸ بواسطه توسعه بخش کشاورزی رشد ۵/۵ درصدی پیش‌بینی می‌شود.

پیش‌بینی رشد اقتصادی ایران

طبق گزارش بانک جهانی پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۱۷ تداوم دستاوردهای حاصله از تولید نفت و توسعه سرمایه‌گذاری موجب افزایش نرخ رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تا ۵/۲ درصد شود. البته این پیش‌بینی براساس افزایش قیمت جهانی نفت به میانگین ۵۵ دلار برای هر بشکه برای سال ۲۰۱۷ صورت گرفته است. بر اساس آخرین گزارش بانک جهانی انتظار می‌رود که اقتصاد ایران در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ نیز به ترتیب رشد ۴,۸ و ۴,۵ درصدی را تجربه کند. دلایل اصلی این تداوم نرخ رشد، افزایش درآمدهای نفتی و سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی به کشور بیان شده است. برابر اعلام بانک مرکزی در نه ماه نخست سال ۱۳۹۵ رشد اقتصادی کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۱/۶ درصد و در ۱۲ ماهه سال ۹۵ معادل ۱۲/۵ درصد بوده است که افزایش قابل توجهی را در نرخ رشد اقتصادی کشور نشان می‌دهد. بعد از بخش نفت که سهم عمده‌ای در رشد اقتصادی داشته است بخش صنعت نیز با رشدی معادل ۵,۸ درصد (عمدتاً ناشی از رشد تولیدات خودرو و محصولات شیمیایی) بیشترین سهم را داشته است.

ضمن آنکه نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به اسفندماه ۱۳۹۵ نسبت به دوازده ماه منتهی به اسفندماه ۱۳۹۴ معادل ۹ درصد اعلام شده است.

متوسط رشد اقتصادی در برنامه برنامه اول توسعه که بین